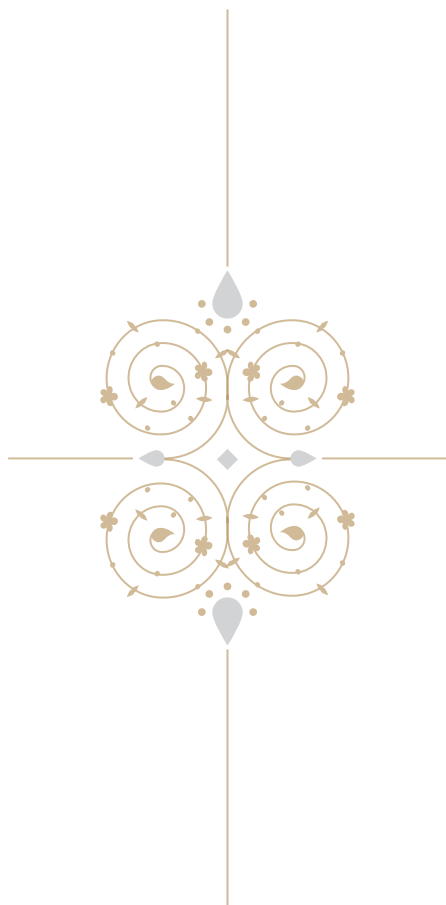


مجلس دهم

آزادی قلب‌ها؛ پیش نیاز ظهور

برای ظهور، باید قلب‌ها را از محاصره دشمن
آزاد کنیم





مقدمه و شروع بحث:

امشب شب عاشورا است. شب شهادت سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام؛ شب غربت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام؛ اما اجازه بدهید یک نکته مهم را یادآوری کنم. صاحب عزای اصلی امشب کیست؟ چه کسی بیشتر از همه امشب داغدار است؟ اگر به زیارت ناحیه مقدسه نگاه کنیم، پاسخ روشن است. امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَحْوِيلَهُ؛ همان کسی که خودش فرمود: اگر در کربلا نبودم، اگر نتوانستم در میدان نبرد از حسین دفاع کنم، اگر نتوانستم با دشمنانش بجنگم، یک کار را تا آخر عمرم انجام می دهم. «فَلَا تُدْبِتُكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً، وَلَئِكَ لَكَ بَدَلُ الدَّمِوعِ دَمًا» صبح و شب برایش گریه می کنم. به جای اشک، خون می گریم.^۱

بین امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَحْوِيلَهُ یک رابطه عمیق و؟ عجیب وجود دارد. در کافی شریف روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام داریم که وقتی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در گودی قتلگاه به زمین افتادند، ملائکه به درگاه خداوند متعال ضجه زدند و ناله کردند. گفتند: خدایا بین با حسین، فرزند پیامبرت، چه می کنند؟ چرا جلوی این ظلم گرفته نمی شود؟ چرا این قدر مظلومانه کشته می شود؟

۱. فَلَيْئَ أَخْرَجْنِي الدُّهُورُ، وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمُتَقَدِّرُونَ، وَمَا أَكُنْ لِمَنْ حَازَبَكَ مُحَارِباً، وَلَيْسَ نَصَبُ لَكَ الْعَدَاوَةُ مُنَاصِباً، فَلَا تُدْبِتُكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً، وَلَئِكَ لَكَ بَدَلُ الدَّمِوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ، وَتَأْسُفًا عَلَى مَا ذَهَبَ، وَتَلَهُنَا حَتَّى أُمُوتَ بِلُوعَةِ الْمُنَاصِبِ، وَغُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ.



در پاسخ به این ناله‌ها، خداوند متعال تمثالی از وجود مقدس امام زمان را به ملائکه نشان داد و فرمود: «بِهَذَا أَنتَقِمُ هَذَا»^۱؛ یعنی به وسیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انتقام خون حسین را خواهیم گرفت.

در دعای ندبه هم وقتی از امام زمان یاد می‌کنیم، یکی از توصیف‌های ایشان همین است. می‌گوییم: «أَيْنَ الظَّالِمِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا»؛ کجاست آن کسی که خونخواه آن شهید کربلاست؟؛ یعنی امام زمان منتقم خون حسین است. حتی در زیارت عاشورا هم ما هر روز به این نکته اشاره می‌کنیم. می‌گوییم: «وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ شَارِكٍ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ»؛ خدایا من را از کسانی قرار بده که همراه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به خونخواهی حسین قیام می‌کنند.

این ارتباط، فقط در الفاظ و دعاها نیست. این ارتباط، یک حقیقت تاریخی و اعتقادی است. یعنی اگر بخواهیم ظهور را بفهمیم، اگر بخواهیم فلسفه قیام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را درست درک کنیم، باید برگردیم به عاشورا.

محور اول: راز تأخیر ظهور امام زمان چیست؟

پیام کلیدی: جامعه باید معرفت به امام پیدا کند.

اما سؤال اینجاست: واقعاً ارتباط عاشورا با ظهور چیست؟ چرا باید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انتقام خون حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف را بگیرد؟ اصلاً چرا خدا همان موقع انتقام خون امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف را نگرفت؟ مگر قدرت خدا کم بود؟

مگر نمی‌توانست همان روز با یک فرمان همه دشمنان را نابود کند و کار را تمام کند؟ پس چرا این قدر تأخیر افتاد؟ چرا انتقام خون سیدالشهدا به قیام

۱. لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ عجل الله تعالی فرجه الشریف مَا كَانَ صَحَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ وَقَالَتْ يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ قَالَ فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلَّ الْقَائِمِ وَقَالَ بِهَذَا أَنتَقِمُ هَذَا. اصول کافی، جلد ۱، ص ۴۶۵، باب مولد الحسین بن علی عجل الله تعالی فرجه الشریف.



آخرالزمان موكول شد؟ واقعا راز تاخير ظهور امام زمان چیست؟ اينجاست كه بايد به حكمت اين تاخير و رابطه عميق بين عاشورا و ظهور فكر كنيم و پاسخ اين سؤال را درست بفهميم.

شايد بشود اين سؤال را كمی عقب تر هم برد. چرا زمان اميرالمؤمنين عليه السلام همه دشمنان نابود نشدند؟ چرا با آن همه مظلوميتی كه بر اميرالمؤمنين رفت، خدا يك باره بساط دشمنانش را جمع نكرد؟

اصلاً چرا در زمان خود پيامبر اكرم صلی الله علیه و آله، ابوجهل ها و ابوسفیان ها همان روزهای اول نابود نشدند؟ مگر قدرت خدا كم بود؟ مگر نمی توانست با يك اشاره همه آن ها را از بين ببرد و انتقام سختی های پيامبر ص را بگيرد؟

همين سؤال را می شود درباره تمام پيامبران الهی پرسيد. همه شان دشمن داشتند. همه شان گرفتار جبهه كفر و نفاق بودند. اما خدا هيچ وقت كار را با نابودی يك شبه دشمنان تمام نكرد.^۱

چرا؟ چون سنت خدا بر اين است كه مردم امتحان شوند، جامعه ها رشد كنند، انسان ها تربيت شوند، حق و باطل به وضوح جدا شود، حجت بر همه تمام شود و در نهايت هر كس مسير خودش را با اختيار انتخاب كند.

در قرآن هم همين سنت الهی را بارها می بينيم. خداوند می فرمايد: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا»^۲ اگر خدا می خواست، همه مردم زمين به اجبار ايمان می آوردند» اما اراده خدا اين نيست. خدا می خواهد هم انسان ها هم جامعه با اختيار و شناخت، راهشان را انتخاب كنند.

۱. خداوند در تاريخ انبياء، نابودی يك باره دشمنان را فقط بعد از «اتمام حجت كامل» و «امتحان نهايي» انجام داده. يعنی حتى قوم نوح، قوم عاد، ثمود، قوم فرعون و... هم يك شبه نابود نشدند. سال ها فرصت داشتند. بارها انذار شدند. بارها پيامبران شان ميان آن ها ماندند، دعوت كردند، هشدار دادند. اما وقتی تمام راه های هدايت را بستند، با وجود آگاهی كامل، اصرار بر باطل كردند و خودشان عمداً راه هلاكت را انتخاب كردند، آن وقت عذاب نازل شد.



در جای دیگر می‌فرماید: «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ»^۱؛ تا آن‌که هلاک می‌شود، با آگاهی هلاک شود و آن‌که زنده می‌ماند و راه حق را انتخاب می‌کند، با آگاهی این مسیر را برگزیند».

پس سنت خدا، تربیت و رشد جامعه است، نه نابودی یک شبه دشمنان. ظهور امام زمان هم زمانی اتفاق می‌افتد که جامعه به یک سطح مناسب از آگاهی و عقلانیت برسد؛ یعنی عموم مردم به جایی برسند که ذهن‌شان همراه حق باشد، مثل جامعه کوفه فریب نخورند، در برابر ولی خدا نایستند و با امام زمان دشمنی نکنند.

علاوه بر این، نیاز به یک گروه خاص هم داریم؛ گروهی از انسان‌های کاملاً تربیت‌شده، پا به رکاب، آماده و مخلص که بتوانند دوشادوش امام قیام کنند و پرچم عدالت را بر دوش بکشند. هم آگاهی عمومی لازم است، هم یاران خاص و تا این دو شرط محقق نشود، ظهور اتفاق نخواهد افتاد.

بنابراین مسئله تأخیر ظهور، نه به خاطر ضعف امام زمان است، نه به خاطر کمبود قدرت خداوند. اگر خدا بخواهد، می‌تواند همین فردا همه دشمنان را نابود کند. اگر امام زمان اجازه داشته باشد، با یک اشاره می‌تواند بساط همه طاغوت‌ها را جمع کند. اما مسئله اصلی، خود ما هستیم. مشکل اصلی، ضعف جامعه منتظر است.

محور دوم: دو شرط اصلی برای تحقق ظهور

پیام کلیدی: وقتی امام تنه‌است، ظهور محقق نمی‌شود

اولاً باید انسان‌های بی‌نهایت، یعنی همان یاران خاص، تربیت شوند؛ انسان‌هایی که آماده، مخلص، پای کار و سرباز حقیقی امام باشند. مثل اصحاب عاشورایی سیدالشهداء.



ثانیاً جامعه باید معرفت به امام پیدا کند و نگاهش بی نهایت شود؛ باید افکار عمومی جامعه به سطحی از آگاهی و عقلانیت برسد که دیگر فریب نخورد و در برابر حق نایستد. این یعنی ماجرایی فریب مردم کوفه دوباره تکرار نشود. اگر این دو شرط محقق شود، آن وقت ان شاء الله ظهور محقق خواهد شد.

شرط اول: تربیت «انسان های بی نهایت»

وقتی به تاریخ نگاه می کنیم، این حقیقت کاملاً روشن است که ائمه معصومین علیهم السلام تنها و غریب بودند. زمان امیرالمؤمنین علیه السلام، حضرت چند بار مردم را دعوت به جهاد کرد. چند بار آن ها را فراخواند که آماده شوند. اما هر بار، تعداد اندکی «انسان بی نهایت» بودند که لبیک گفتند.

در روایتی که در کافی شریف آمده حضرت قسم یاد کردند که اگر به تعداد اصحاب طالوت که حدود ۳۰۰ نفر بودند و یا به تعداد افراد حاضر در جنگ بدر که ۳۱۳ نفر بودند، نیرو داشتم، حتماً در برابر این حکومت قیام می کردم، آن هم قیام مسلحانه و با شمشیر.^۱

حتی حضرت، در مقطعی به کمتر از این تعداد هم راضی شدند. در روایتی نقل شده است:

امیرالمؤمنین از مسجد خارج شد و از کنار محل نگهداری حیوانات که سی رأس گوسفند در آنجا نگهداری می شد، عبور کرد و فرمود: به خدا قسم اگر من به تعداد این گوسفندان، نیرو داشتم، حاکم را از حکومتش برکنار می کردم؛ وقتی عصر شد، تعداد ۳۶۰ نفر با علی بیعت کردند که تا پای جان در کنار او بجنگند.

۱. اَمَّا وَاللَّهِ لَوْ كَانَ لِي عِدَّةُ أَصْحَابِ طَالُوتَ أَوْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَهُمْ أَغْدَاؤُكُمْ لَصَرَّ بِكُمْ بِالسَّيْفِ حَتَّى تَتَوَلَّوْا إِلَيَّ الْحَقُّ. به خدا قسم اگر من به تعداد اصحاب طالوت، یا تعداد اهل بدر، در حالی که آنها دشمن شما بودند، نیرو داشتم، حتماً با شمشیر شما را می زدم تا اینکه بر صراط مستقیم باز گردید. کافی، ج ۸، ص ۳۲، ح ۵.



حضرت به آنها فرمود: بروید و سرهای خود را بتراشید و در محله احجار الزيت^۱ حاضر شوید. حضرت سر خود را تراشید و در محل قرار حاضر شد ولی از بیعت کنندگان جز ابوذر، مقداد، حذیفه، عمار و سلمان که در آخر آمد، کسی دیگری حاضر نشد. حضرت در این هنگام دست به آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا این قوم مرا تنها گذاشته و ناتوان کردند، همانگونه که بنی اسرائیل هارون را ناتوان گذاشتند.^۲

تنهایی امام را ببینید! این تنهایی و غربت، زنجیره‌ای تا یازدهمین امام همراه بود. بعد از حضرت علی، نوبت به امام حسن رسید. او هم با همان غربت و تنهایی روبه‌رو شد. همان مردمی که ادعای حمایت داشتند، وقتی وقت عمل رسید، او را تنها گذاشتند.

با اینکه در آغاز لشکری چند هزار نفری همراهش بود، اما وقتی پای جنگیدن با معاویه رسید، بیشترشان یا فرار کردند یا به حضرت خیانت کردند. کار به جایی رسید که به خیمه حضرت حمله کردند، سجاده از زیر پای حضرت کشیدند و ردای امام را از دوشش برداشتند؛ حتی یکی از همین‌ها با خنجر به ران مبارک امام حسن حمله کرد و حضرت را مجروح کرد.^۳ انسان‌های ۸۰ ساله‌ای که به متاع دنیا فریب خوردند و امامشان را تنها گذاشتند.

۱. احجار الزيت محلی در مدینه، که جایگاه برگزاری رویدادهای گوناگون مثل اردوگاه برای جنگ‌های ناماز باران و... بوده است.

۲. خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَرَّ بِصَبْرَةٍ فِيهَا خُوٌّ مِنْ ثَلَاثِينَ شَاةً فَقَالَ وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ لِي رَجُلًا يَنْصَحُونِي لَعَزَّ وَجَلَّ وَلِرَسُولِهِ بِعَدَدِ هَذِهِ السَّيَّاهِ لَأَكْرَمْتُ ابْنَ أَكَلَةِ الدَّبَّانِ عَنْ مُلْكِيهِ قَالَ فَلَمَّا أَمْسَى بَايَعَهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَسِتُّونَ رَجُلًا عَلَى الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ اغْدُوا بِنَائِي أَحْجَارَ الزَّيْتِ مُحَلِّقِينَ وَحَلِّقِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَنَأْوِيَ مِنَ الْقَوْمِ مُحَلِّقًا إِلَّا أَبُودَرَّ وَالْمُقْدَادَ وَحَذِيفَةَ بْنَ الْيَمَانِ وَعَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَجَاءَ سَلْمَانُ فِي آخِرِ الْقَوْمِ فَرَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَغْفَوْنِي كَمَا اسْتَغْفَعْتَ بَنُو إِسْرَائِيلَ هَارُونَ. کافی، ج ۸، ص ۲۳، ح ۵.

۳. شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۱، ۱۲، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳.ق.



و بعد هم امام حسین، با آن همه دعوت‌نامه‌های پر از وعده و ادعا و با آن همه شعار حمایت، وقتی نشانه‌های بی‌وفایی مردم و سستی یاران آشکار شد، یک گلایه تلخ و تاریخی بیان کردند. حضرت فرمودند: «إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعَقٌ عَلَى السِّنْتِهِمْ، يَحْطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحِصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ»^۱ یعنی مردم بنده دنیا هستند و دین چیزی جز لقلقه زبان‌شان نیست. تا زمانی که زندگی‌شان خوب بگذرد و معیشتشان تأمین باشد، دم از دین می‌زنند و خود را دیندار نشان می‌دهند اما وقتی پای امتحان و سختی به میان می‌آید و زمان هزینه دادن برای حق فرا می‌رسد، دینداران واقعی به ندرت پیدا می‌شوند.

امام حسین با این جمله، پرده از یک واقعیت تلخ برداشت؛ این که مشکل اصلی جامعه فقط کم بودن عدد یاران نبود، بلکه کم بودن آدم‌هایی بود که حاضر باشند برای حق و امامشان از همه چیز بگذرند. آدم‌هایی که به قول ما، نگاه بی‌نهایت داشته باشند. انسان‌هایی که مثل انسان‌های ۸۰ ساله، دنیا و منافع شخصی برایشان اولویت نباشد، بلکه دلشان برای حق بتپد و پای دین بایستند.

امام حسین می‌خواست بگوید که آدم‌های دنیاپرست زیادند، آدم‌های اهل شعار زیادند، اما انسان‌های بی‌نهایت کم پای عمل بایستند، همیشه کم بوده‌اند و همین کمبود، ریشه عاشورا شد.

بعد از عاشورا، این زنجیره غربت تمام نشد. امام سجاد، سال‌ها با داغ اسارت و تنهایی زندگی کرد. امام باقر و امام صادق، زیر فشار فرهنگی و سیاسی، در تقیه و محدودیت روزگار گذراندند.

البته با فعالیت‌های امام سجاد و امام باقر علیه‌السلام، تعداد شیعیان کمی گسترش پیدا کرد. به حدی که در دوران امام صادق علیه‌السلام، مجدداً مطالبات

۱. تحف العقول، ص ۲۴۵.



شیعیان برای قیام امام زمانشان بالا می‌رود. شیعیان خیلی پیگیر اقدام عملی امام شدند اما پاسخ امام همیشه منفی بود چون هنوز هم «انسان‌های بی‌نهایت» کم پیدا می‌شد. این داستان‌ها گواهی برای این مطلب است:

سدير صيرفي مي‌گويد خدمت امام صادق عليه السلام رسيدم و گفتم: «به خدا سوگند، روا نيست كه شما نشسته‌ايد و قيام نمي‌كنيد» امام فرمود: «چرا؟» گفتم: «چون دوستان و پيروان و ياوران شما فراوانند. به خدا سوگند اگر امير المؤمنين عليه السلام به اندازه شما ياور داشت، قبيله تيم وعدي (قبائل خليفه اول و دوم) جرات نمي‌کردند به طرفش بيايند»

امام فرمود: «تعداد ياوران و شييعان من احتمالا چقدر است؟» عرض كردم: «صد هزار نفر» حضرت فرمود: «صد هزار نفر؟! عرض كردم: «بله، بلكه دويست هزار نفر» حضرت فرمود: «دويست هزار نفر؟! عرض كردم: «بله، بلكه نصف دنيا از ياوران شما هستند» حضرت سكوتي كرد، بعد فرمود: «همراه ما تاينع بيا» امام مرا به منطقه‌اي برد كه خاك سرخ رنگي داشت و چوپان نوجواني، بزغاله‌هايش را براي چرا آورده بود. امام نگاهي به او كرد و به من فرمود: «اي سدير، به خدا سوگند اگر به تعداد اين بزغاله‌ها شيعه و ياور داشتم، روا نبود يك لحظه در مقابل حكومت ظلم و جور بنشينم و براي گرفتن حقم قيام كنم» از مركب‌ها پياده شديم و نماز خوانديم. بعد از نماز رفتيم بزغاله‌ها را شمردم. فقط هفده تا بودند.^۱

۱. كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، تحقيق علي اكبر غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵. ج ۲، س ۱۵۲.



یا داستان معروف هارون مکی که شاید بارها شنیده باشید!

در منزل آن حضرت بودم که شخصی به نام سهل بن حسن خراسانی وارد شد و سلام کرد و پس از آن که نشست، با حالت اعتراض به حضرت اظهار داشت: یا ابن رسول الله! شما بیش از حدّ عطوفت و مهربانی دارید، شما اهل بیت امامت و ولایت هستید، چه چیز مانع شده است که قیام نمی‌کنید و حقّ خود را از غاصبین و ظالمین باز پس نمی‌گیرید، با این که بیش از يك صد هزار شمشیر زن آماده جهاد و فداکاری در رکاب شما هستند؟!

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آرام باش، خدا حقّ تو را نگه دارد و سپس به یکی از پیش خدمتان خود فرمود: تنور را آتش کن. همین که آتش تنور روشن شد و شعله های آتش زبانه کشید، امام (علیه السلام) به آن شخص خراسانی خطاب کرد: برخیز و برو داخل تنور آتش بنشین.

گاهی وقتی خدا می‌خواهد آزمایش کند، از بین کارها می‌کند. مثلاً به ابراهیم می‌گوید فرزندات اسماعیل را ذبح کن.

انسان بی‌نهایت سمعاً و طاعتاً می‌گوید. این انسان، قابل اتکا است. با این انسان، همه نشده‌ها، شد می‌شود. اما وقتی اینطور نباشد چه؟ معلوم می‌شود همه‌اش ادعا است.

سهل خراسانی گفت: ای سرور و مولایم! مرا در آتش، عذاب مگردان و مرا مورد عفو و بخشش خویش قرار بده، خداوند شما را مورد رحمت و اسعه خویش قرار دهد.

در همین لحظات شخص دیگری به نام هارون مکی - در حالی که کفش های خود را به دست گرفته بود - وارد شد و سلام کرد.



حضرت امام صادق علیه السلام، پس از جواب سلام، به او فرمود: ای هارون! کفش هایت را زمین بگذار و حرکت کن برو درون تنور آتش و بنشین. هارون مگي کفش های خود را بر زمین نهاد و بدون چون و چرا و بهانه‌ای، داخل تنور رفت و در میان شعله‌های آتش نشست. آن گاه امام علیه السلام با سهل خراسانی مشغول مذاکره و صحبت شد و پیرامون وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و دیگر جوانب شهر و مردم خراسان مطالبی را مطرح نمود مثل آن که مدت‌ها در خراسان بوده و تازه از آن جا آمده است.

پس از گذشت ساعتی، حضرت فرمود: ای سهل! بلند شو، برو بین در تنور چه خبر است. همین که سهل کنار تنور آمد، دید هارون مگي چهار زانو روی آتش‌ها نشسته است.

پس از آن امام علیه السلام به هارون اشاره نمود و فرمود: بلند شو بیا؛ و هارون هم از تنور بیرون آمد. بعد از آن، حضرت خطاب به سهل خراسانی کرد و اظهار داشت: در خراسان شما چند نفر مخلص مانند هارون که مطیع ما می باشد پیدا می شود؟

سهل پاسخ داد: هیچ، نه به خدا سوگند! حتّی يك نفر هم این چنین وجود ندارد. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: ای سهل! ما خود می دانیم که در چه زمانی خروج و قیام نمائیم؛ و آن زمان موقعی خواهد بود، که حدّاقل پنج نفر هم دست، مطیع و مخلص ما یافت شوند، در ضمن بدان که ما خود آگاه به تمام آن مسائل بوده و هستیم.^۱

بقیهٔ ائمه معصومین هم همینطور بود. امام موسی بن جعفر، سال‌ها عمر شریفش را در زندان‌های هارون الرشید سپری کرد. امام رضا، غریبانه در



طوس به شهادت رسید. امام جواد و امام هادی و امام عسکری، هرکدام زیر سایه سنگین کنترل و محاصره عباسیان زندگی کردند.

این‌ها همه نشان می‌دهد که صرف حضور امام کافی نیست. امام به تنهایی نمی‌تواند قیام کند و تحولی جهانی رقم بزند.

امام برای تحقق مأموریتش نیاز به یار و یاور دارد؛ نیاز به انسان‌هایی دارد که اهل وفا، اهل فداکاری و آماده میدان باشند. همان چیزی که ما اسمش را گذاشتیم «انسان‌های بی‌نهایت».

مخصوصاً درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که آخرین حجت خداست. به تعبیر دیگر، ایشان خاتم الاوصیاء هستند؛ دیگر بعد از ایشان امامی نخواهد آمد. این بار خدا روی امامش ریسک نمی‌کند. این بار قرار نیست امام زمان بیاید و باز مردم او را تنها بگذارند، خانه‌نشینش کنند یا مثل گذشته، او را در حصر و محاصره قرار دهند و به شهادت برسانند.

خداوند دیگر اجازه نخواهد داد ماجرای کوفه یا عاشورا برای آخرین امام تکرار شود. از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کنند که چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب می‌شود، آمده است: «وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عُنُقِهِ»^۱ یعنی ایشان به گردن خود اشاره می‌کردند؛ کنایه از این که اگر بیاید، کشته می‌شود».

این یعنی تا وقتی جان امام در خطر باشد و یاران پای رکاب نداشته باشد ظهور نخواهد کرد.

شرط دوم: آمادگی جامعه برای ظهور

شرط دوم، آمادگی جامعه برای ظهور است. نگاهی به تاریخ بیندازیم. امام حسین علیه السلام در مدینه زندگی می‌کردند. مردم کوفه، خودشان امام زمانشان را دعوت کردند. آن‌ها از حکومت امویان و ظلم یزید به ستوه آمده بودند

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.



و با هزاران نامه و پیام، از سیدالشهدا خواستند که به کوفه بیاید و رهبری و حکومت را به دست بگیرد. در نامه‌هایشان از محبت و انتظار گفتند، از شوق دیدار امام نوشتند، و اصرار کردند که: ما آماده‌ایم، منتظر شما هستیم.

امام حسین هم دعوت آن‌ها را اجابت کرد و حرکت کرد. اما وقتی حضرت به کربلا رسید، چه شد؟ همین مردمی که با زبان ادعای محبت و انتظار داشتند، عهد خود را شکستند. امام را تنها گذاشتند. و نه فقط تنها گذاشتند، بلکه در قتل او هم شریک شدند. بعضی‌شان شمشیر زدند، بعضی سنگ پرتاب کردند، بعضی هم فقط سکوت کردند و نظاره‌گر ظلم شدند.

چرا چنین شد؟ چرا جامعه‌ای که این همه ادعای محبت و انتظار داشت، به این سرنوشت افتاد؟ پاسخ روشن است: جامعه کوفه، با همهٔ افراد خوبی که داشت، یک جامعه آماده نبود. ذهن‌ها پخته نبود. مردم کوفه با چند پیام تهدیدآمیز، با چند وعده مال و مقام، با چند دروغ تبلیغاتی، با چند کار رسانه‌ای فریب خوردند؛ بازی خوردند؛ دستگاه محاسباتی‌شان به هم ریخت.

گواه تاریخی این حقیقت، خطبهٔ کوبنده و پرمعنای حضرت زینب علیها السلام است. وقتی کاروان اسرا وارد کوفه شد و مردم کوفه از روی ندامت و احساسات زودگذر شروع به گریه کردند، حضرت زینب بالحنی پر از ملامت فرمودند:

«يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، يَا أَهْلَ الْخُثُلِ وَالْغَدْرِ وَالْخَذَلِ! أَتَبْكُونَ؟! فَلَا رَقَاَتَ الْعَبْرَةَ، وَلَا هَدَاةَ الرَّفْقَةِ. إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاكًا، تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ»

ای مردم کوفه! ای اهل فریب و نیرنگ و خیانت و بی‌وفایی! آیا حالا گریه می‌کنید؟ خدا نکند اشک‌هایتان بند بیاید و ناله‌هایتان آرام شود! شما همانند زنی هستید که رشته‌های



محکم و سخت‌بافته‌اش را پس از آن‌همه تلاش، نخ‌نخ و از هم باز می‌کند. شما سوگندهایتان را وسیله فریب و نیرنگ و بازی با دیگران قرار دادید.

این تمثیل دقیق حضرت زینب، اشاره مستقیم به آیه ۹۲ سوره نحل^۱ دارد. همان آیه‌ای که خداوند در آن عهدشکنان و پیمان‌سست‌ها را به زنی تشبیه می‌کند که رشته‌های محکم‌بافته خود را باز می‌کند و همه زحماتش را بر باد می‌دهد. در تفسیر آمده است این زن، زنی بی‌خرد در مکه بود که صبح‌ها با زحمت فراوان نخ می‌ریسید و عصر همان روز، با دستان خودش همه رشته‌ها را از هم باز می‌کرد؛ کاری بی‌ثمر و بی‌ثبات.

دقیقاً همین رفتار، ویژگی جامعه کوفه بود؛ جامعه‌ای بدون ثبات، بدون پختگی فکری و اجتماعی، بدون وفاداری عملی و بدون بصیرت تاریخی. این همان درسی است که ما امروز باید جدی بگیریم: محبت زبانی و ادعای انتظار کافی نیست. اگر جامعه‌ای از درون، آگاه، مقاوم و وفادار به عهد نباشد، در وقت امتحان، باز همان کاری را می‌کند که کوفیان کردند. این قصه یک قاعده کلی است. هر جامعه‌ای که از درون آگاهی، اتحاد قلبی و بصیرت نداشته باشد، در وقت امتحان سقوط می‌کند.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سال‌ها پیش در توقیع معروف خود به شیخ مفید، همین نکته را به ما یادآوری کردند. حضرت فرمودند:

«لو أن أشياعنا - وفقهم الله لطاعته - على اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم، لما تأخر عنهم اليمين بلفائنا؛ اگر شیعیان ما، خداوند آن‌ها را در اطاعتش موفق بدارد، در وفای به عهدشان همدل و متحد بودند، ما هم در دیدار و فرج از آن‌ها تأخیر نمی‌کردیم».

۱. وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَصَتْ غَزَاهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَتَيْنَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلَا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ أَيْمَانُكُمْ لِلَّهِ بِهِ وَلِيَبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.



این یعنی ظهور، نه فقط به ایمان‌های فردی، بلکه به «اجتماع قلوب» نیاز دارد. دل‌ها باید با هم جمع شود، وحدت حقیقی و وفاداری عملی شکل بگیرد.

قرآن هم همین را می‌گوید. خداوند در قرآن می‌فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱
 همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازوی تشخیص حق از باطل [نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند].

در تفسیر نور در ذیل این آیه آمده است: «بعد از اتمام حجت از طرف خداوند، مسئولیت با مردم است که برای عمل و اجرا بپاییزند.»؛ یعنی کار انبیاء و اولیاء اتمام حجت است اما به بعدش با مردم است. «يَقُومُ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یعنی اگر جامعه‌ای برای عدالت قیام نکند، اگر افکار عمومی آماده نباشد، حتی با وجود حضور امام هم، تحول اجتماعی اتفاق نمی‌افتد. جامعه باید خودش را آماده کند، هم از نظر بینش و آگاهی، هم از نظر اراده و عزم عمل.

جهانی بودن قیام حضرت

اما حالا یک نکته دیگر هم باید خوب روشن شود. شاید کسی بپرسد: این دو شرطی که گفتید، دقیقاً در چه مقیاسی باید محقق شود؟ آیا کافی است فقط در یک منطقه یا یک کشور این دو شرط شکل بگیرد؟

پاسخ این است: خیر. وسعت این مأموریت، جهانی است. وقتی قیام امام زمان، یک قیام جهانی است، وقتی مخاطب او تمام مردم کره زمین اند، طبیعتاً هم تربیت انسان‌های بی‌نهایت باید در مقیاس جهانی اتفاق بیفتد و هم آمادگی ذهنی و معرفتی، باید در سطح افکار عمومی جهان شکل بگیرد.



یعنی اگر قرار است ۳۱۳ یار خاص تربیت شوند، این ۳۱۳ نفر باید نخبه‌هایی باشند که بتوانند در مقیاس جهانی مدیریت کنند. باید در تراز فرماندهی یک قیام جهانی باشند. انسان‌هایی که هم ایمان دارند، هم تقوا، هم شجاعت، هم مدیریت، هم آگاهی بین‌المللی و هم آمادگی برای جهاد در هر نقطه از دنیا.

از آن طرف، آمادگی افکار عمومی هم فقط مربوط به یک شهر یا یک کشور نیست. همه ملت‌ها باید به جایی برسند که دیگر فریب نخورند، دیگر در برابر حق نایستند، دیگر در لحظه حساس، اشتباه کوفیان و شامیان را تکرار نکنند. جهان باید به یک بلوغ فکری و معرفتی برسد که وقتی امام آمد، او را به عنوان منجی حق و عدالت بشناسد و حداقل، اکثریت مردم جهان با او همراه باشند یا لاقفل در برابر او نایستند.

اصلاً همین نکته را اگر بخواهیم با ادله دینی روشن‌تر کنیم، کافی است به زیارات مهدوی نگاه کنیم. در زیارت‌ها چه می‌گوییم؟ می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيٍّ الْأُمَمِ»؛ یعنی سلام بر تو ای مهدی امت‌ها. این تعبیر، خیلی دقیق است. یعنی امام زمان فقط مهدی شیعیان یا مهدی مردم عراق و ایران نیست. او «مهدی امت‌ها» است. یعنی منجی همه ملت‌ها و همه انسان‌ها. به همین دلیل است که در فرهنگ اسلامی، بحث ظهور، فقط یک مسئله داخلی و مذهبی نیست؛ بلکه یک موضوع جهانی و بشری است.»

محور سوم: محاصره تبلیغاتی، بزرگ‌ترین مانع ظهور

پیام کلیدی: باید محاصره تبلیغاتی دشمن را بشکنیم.

ما گفتیم ظهور حداقل دو شرط دارد؛ اول، تربیت انسان‌های بی‌نهایت و دوم، آمادگی ذهنی و معرفتی عموم جامعه آن هم در سطح جهانی.



اما یک مانع بزرگ برای این دو شرط وجود دارد؛ یک مانع که اجازه نمی‌دهد نه آن یاران خاص تربیت شوند و نه جامعه به سطحی از آگاهی برسد که دیگر فریب نخورد. آن مانع، «محاصره تبلیغاتی» است.

گرافه نیست اگر بگوییم امام حسین علیه السلام با «تیغ تبلیغات» دشمن به شهادت رسید. دستگاه تبلیغاتی امویان مردم کوفه را فریب داد و ذهن‌ها را پر از شبهه و ترس و دنیاطلبی کرد، امروز هم جبهه باطل با قدرتی چند هزار برابر بیشتر، یک محاصره تبلیغاتی جهانی راه انداخته است. ذهن مردم را محاصره کرده‌اند. افکار عمومی دنیا در اختیار آن‌هاست.

بیش از پنجاه هزار کانال ماهواره‌ای، میلیون‌ها سایت اینترنتی، تمام شبکه‌های اجتماعی و سکوها‌ی پیام‌رسان، و بخش بزرگی از بازی‌های ویدئویی به صورت انحصاری در اختیار همین‌هاست. فیسبوک، توییتر، یوتیوب، تلگرام، اینستاگرام، واتس‌اپ، اسنپ‌چت، همه و همه مال همین جبهه است. الان بیش از سه میلیارد نفر در دنیا کاربر فیسبوک هستند؛ یعنی ذهنیت سه میلیارد نفر دست آن‌هاست. بیش از دو میلیارد و ششصد میلیون نفر از یوتیوب استفاده می‌کنند.

عزیزان من! جمعیت آمریکا و اسرائیل روی هم چیزی حدود ۳۳۰ میلیون نفر است. اما فقط فیسبوک و یوتیوب، بیش از ده برابر جمعیت آمریکا و اسرائیل مخاطب جهانی دارند. دو میلیارد نفر در اینستاگرام‌اند، دو میلیارد نفر هم در واتس‌اپ. این‌ها شوخی نیست. در همه جای دنیا همین‌ها مشتری دارند، مگر همین سکوهایی که گفتم، در ایران مشتری ندارند؟!

تمامی سکوها‌ی توزیع بازی‌های ویدئویی جهان هم در اختیار همین‌هاست. فقط در یک سکوی توزیع بازی‌های اندروید مثل فروشگاه گوگل، بیش از ۴۲۰ هزار بازی آماده داندلود است. در سکوی مخصوص رایانه، حدود صد هزار بازی قابل دسترس است.



بعضی از این بازی‌ها طوری طراحی شده‌اند که اگر بچه‌ای بخواهد آن را تمام کند، باید بیش از ۵۰۰ ساعت وقت بگذارد؛ یعنی به اندازه خواندن ۵۰۰ صفحه کتاب؛ حدود بیست جلد کتاب! حتی فرانسه که می‌خواهد بگوید من هم در این میدان هستم، یک سکوی توزیع بازی زده، اما مجموع بازی‌هایش به صد عنوان هم نمی‌رسد!

آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل کاملاً بر جریان خبری و محتوایی دنیا مسلط هستند. فیلم‌ها را این‌ها می‌سازند. شبکه‌های خبری مسلط جهان در اختیار همین‌هاست. آن قدر محتوا تولید می‌کنند که اساساً به مردم فرصت فکر کردن هم نمی‌دهند. اخبار کاملاً یک طرفه به ذهن‌ها می‌رسد.

وقتی ذهن مردم در محاصره باشد، چطور قرار است قیام به قسط کنند؟ چطور می‌خواهند به امام زمان معرفت پیدا کنند؟ چطور انسان بی‌نهایت تربیت شود؟ چگونه قرار است جامعه به مرحله‌ای برسد که در برابر امام خود نایستد و مثل مردم کوفه سقوط نکند؟

غزه؛ نمونه‌ای از محاصره تبلیغاتی

برای اینکه شدت و واقعیت محاصره تبلیغاتی را بهتر درک کنیم، اجازه بدهید یک مثال ملموس بزنم. موضوع غزه فقط مسئله امروز و دیروز نیست، مسئله‌ای است که بیش از ۷۰ سال ادامه دارد.

هفت دهه است که این‌ها دارند جنایت می‌کنند؛ زن و کودک بی‌دفاع را می‌کشند، اما دنیا واکنشی نشان نمی‌دهد. چرا؟ می‌خواهید بگویید مردم دنیا بی‌وجدان شده‌اند؟ اگر واقعاً مردم دنیا بی‌وجدان بودند، چرا حالا طرفدار غزه شده‌اند؟ چرا امروز اکثریت مردم جهان از اسرائیلی‌ها متنفر شده‌اند؟ لابد اتفاقی افتاده است. چرا قبلاً این‌طور نبود؟

حقیقت این است که مردم جهان، درست مثل مردم شامات در زمان یزید، سال‌ها در محاصره تبلیغاتی شدید زندگی کردند. همه چیز برای جبهه



باطل عالی پیش می‌رفت تا اینکه یک نرم‌افزار چینی به نام تیک‌تاک وارد میدان شد و کمی فضا را باز کرد. حدود ۱,۶ میلیارد نفر به آن پیوستند و فلسطینی‌ها توانستند کمی مظلومیت خود را فریاد بزنند.^۱

همین مقدار فضای باز کافی بود تا دنیا به هم بریزد. مردم متوجه درنده‌خویی رژیم صهیونیستی شدند.

آمریکا دیگر نمی‌توانست ذهن دانشجوی دانشگاه خودش را به دلخواه جهت بدهد. بخشی از حقیقت به ذهن او رسیده بود و اعتراضات بالا گرفت. وقتی دیدند اوضاع از کنترل خارج می‌شود، تصمیم به فیلتر کردن تیک‌تاک گرفتند. این روش آن‌هاست؛ دم از آزادی بیان می‌زنند اما اجازه نمی‌دهند صدای مخالف شنیده شود.

البته این رفتار چیز جدیدی نیست. همه سران شرک و کفر و نفاق در طول تاریخ همین مسیر را رفته‌اند. هر وقت پیامبری می‌آمد و حرف حق می‌زد، در برابرش می‌ایستادند و اجازه نمی‌دادند صدایش به مردم برسد.

قرآن می‌فرماید: «قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۲ کفار به انبیاء می‌گفتند: ما به شما بدبینیم، اگر دست برندارید قطعاً شما را سنگسار می‌کنیم و عذابی دردناک به شما خواهیم رساند».

به شعیب هم همین را گفتند: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا»^۳ سران مستکبر قوم شعیب گفتند: ای شعیب! حتماً تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند، از آبادی مان بیرون خواهیم کرد، مگر آنکه به آئین ما برگردید».

1. isna.ir/xdQMfR



و در سوره ابراهیم، آیه ۱۲ هم خداوند می فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ؛ سران کفر به پیامبران گفتند: اگر این حرف ها را ادامه دهید، شما را از سرزمین تان اخراج می کنیم».

چرا؟ چون پیامبران داشتند محاصره تبلیغاتی را می شکستند. امروز هم همین اتفاق افتاده؛ طاغوت جهانی، دنیا را به تمام معنا در محاصره تبلیغاتی خودش قرار داده است.

امروز این محاصره تبلیغاتی جهانی، دو ضربه سنگین به ما می زند:

اول این که اجازه نمی دهد «انسان های بی نهایت» یعنی همان یاران مخلص و پای کار امام زمان تربیت شوند. دشمن با سرگرمی های پوچ، شبهه پراکنی، بمباران محتوایی و غرق کردن ذهن ها در فضای مجازی و بازی های ویدیویی، فرصت تفکر، معرفت و رشد را از جوانان و نوجوانان ما گرفته است.

دوم اینکه حتی اگر فردی آماده شود، باز هم جامعه آماده پذیرش نیست. افکار عمومی زیر فشار رسانه های جهانی به سمتی رفته که اگر امروز امام زمان ظهور کند، بخش زیادی از مردم یا او را نمی شناسند، یا باور نمی کنند، یا بدتر، علیه او می ایستند؛ درست مثل کوفیان که با چند موج شایعه و تهدید، از یا حسین به یا یزید رسیدند. محاصره تبلیغاتی، هم تربیت فردی را نابود کرده، هم بستر اجتماعی ظهور را از بین برده است.

ما چه وظیفه ای داریم؟

ما می خواهیم حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه العزیز ظهور کنند؛ اما مسئله اینجاست که الان رسانه ها دست جبهه طاغوت است. علیه مفاهیمی مثل ولایت، امامت، نبوت، رجعت، ظهور و... هزاران فیلم، بازی، سریال و انواع محتوای رسانه ای تولید کرده اند و ذهن ها را پر از شبهه و تحریف کرده اند. هزاران



روایت دروغ ساخته‌اند و باورهای مردم دنیا را نسبت به این حقایق بزرگ تخریب کرده‌اند. حتی همین جریانی هم که این روزها بخشی از محاصره تبلیغاتی غرب را شکسته، جریان کمونیستی است و اساساً نمی‌تواند راه حل ما برای رفع این محاصره باشد.

این‌ها صرفاً برای رقابت و قدرت‌نمایی مقابل آمریکا وارد میدان شده‌اند، نه از سر دلسوزی برای فلسطین، نه به خاطر حمایت از جبهه مقاومت. خودشان هم اسیر همان نگاه ۸۰ ساله‌اند؛ انسان‌ها و جوامعی که افق‌شان محدود به همین دنیا و منافع مادی است. اگر ما بخواهیم دل خوش به این‌ها باشیم، فقط از دامن آمریکا جدا می‌شویم و به دامن یک آمریکای دوم می‌افتیم. این‌ها هرگز نمی‌توانند سکوی تبلیغاتی مهدویت و یاری‌گر ظهور باشند. چرا که اساساً ریشه فکری و اعتقادی‌شان با جریان حق بیگانه است.

اینجاست که باید به خودمان برگردیم و ببینیم چه وظیفه‌ای داریم. اگر این محاصره تبلیغاتی جهانی شکسته نشود، نه آن ۳۱۳ نفر یار مخلص به تعداد لازم خواهند رسید و نه جامعه جهانی به آن سطح از آگاهی و آمادگی خواهد رسید که بتواند امام زمان را بپذیرد و همراهی کند. بنابراین امروز یکی از مهم‌ترین وظایف ما، شکستن این محاصره رسانه‌ای و فکری است. باید فضای آگاهی را باز کنیم، جبهه رسانه‌ای حق را تقویت کنیم، با شبهات مقابله کنیم و اجازه ندهیم مردم جهان در جهل و فریب باقی بمانند. برای شکستن این محاصره حداقل دو وظیفه داریم:

اول: مطالبه برای تقویت فضای مجازی امن و سالم

کار اول، مطالبه‌ای است که ما باید از مسئولان و دولتمردان خودمان داشته باشیم: آن هم راه‌اندازی یک سکوی جهانی تبلیغات در سه مرحله مشخص؛



مرحله اول، شبکه ملی اطلاعات؛^۱ یعنی استقلال کامل کشور در حوزه رسانه و فضای مجازی. امروز متأسفانه زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی ما تا حد زیادی وابسته به خارج است و دشمنان به راحتی می‌توانند با همین ابزارها امنیت ملی، امنیت روانی و حتی جان مردم ما را تهدید کنند.^۲ شما دیدید این رژیم صهیونیستی با دسترسی به اطلاعات مردم چکار کرد با کشور ما. این همه ترور و این همه عملیات خبثات آلود را با توجه به دسترسی به اطلاعات اشخاص مهم و افکار عمومی مردم می‌تواند انجام دهد. نمونه‌ی دیگرش را در ماجرای انفجار پیجرها در لبنان دیدید. این برای این است که واقعا فضای مجازی در کشور ما ول است و مدیریت نمی‌شود.^۳

مرحله دوم، گسترش این استقلال به جبهه مقاومت؛ یعنی زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خودمان را به سطحی برسانیم که کشورهای منطقه و جبهه مقاومت هم بتوانند از آن استفاده کنند. این یعنی شکستن بخشی از محاصره تبلیغاتی، حداقل در محدوده منطقه‌ای.

۱. در مسئله‌ی فضای مجازی، آنچه از همه مهم‌تر است، مسئله‌ی شبکه‌ی ملی اطلاعات است. متأسفانه در این زمینه کوتاهی شده. اینکه ما به عنوان اینکه نباید جلوی فضای مجازی را گرفت، در این زمینه ها کوتاهی کنیم، این مسئله‌ای را حل نمیکند و منطق درستی هم نیست... کشورهایی که شبکه‌ی ملی اطلاعات درست کرده‌اند و [فضای مجازی را] کنترل کرده‌اند به نفع ارزشهای مورد نظر خودشان، یکی دو تان نیستند. بیانات مقام معظم رهبری در ۲۲ خرداد ۱۳۹۶.

۲. فضای مجازی بدون اختیار ما، از بیرون از اختیار ما دارد مدیریت میشود. فضای مجازی یک چیزی نیست که آدم بتواند مثل یک آب روانی هر جور که میخواهد از آن استفاده بکند؛ دیگران دارند این آب را به یک سمتی که خودشان میخواهند هدایت میکنند؛ آنها دارند این فضا را... هدایت و مدیریت میکنند. ما نمیتوانیم بی‌کار بنشینیم در مقابل او؛ ما نمیتوانیم مردمان را که با فضای مجازی ارتباط دارند، بی‌پناه رها کنیم. بیانات مقام معظم رهبری در ۲ شهریور ۱۳۹۶.

۳. متأسفانه در فضای مجازی کشور ما هم که آن رعایت‌های لازم با وجود این همه تأکیدی که من کردم صورت نمیگیرد و در یک جهاتی واقعا ول است. همه‌ی کشورهای دنیا روی فضای مجازی خودشان دارند اعمال مدیریت میکنند. [در حالی که] ما افتخار میکنیم به اینکه ما فضای مجازی را ول کرده‌ایم! این افتخار ندارد. فضای مجازی را بایستی مدیریت کرد. بیانات مقام معظم رهبری ۱ فروردین ۱۴۰۰.



و مرحله سوم، جهانی‌سازی اینترنت مقاومت و ساخت سکوهای جهانی رسانه‌ای مستقل، همان کاری که آمریکا سال‌ها پیش انجام داد و امروز هم چین به سرعت در حال انجامش است. ما هم باید وارد این میدان شویم. همان طور که توانستیم موشک و تجهیزات دفاعی پیشرفته بسازیم، قطعاً می‌توانیم زیرساخت‌های رسانه‌ای و فضای مجازی جهانی را هم طراحی و راه‌اندازی کنیم.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این مرحله، راه‌اندازی رادیو و تلویزیون‌های ماهواره‌ای مستقل با پوشش جهانی است؛ چرا که امروز تمام فضاها ماهواره‌ای دنیا عملاً در انحصار نظام رسانه‌ای طاغوت است.

این یک وظیفه قطعی دولتمردان ماست و ما هم به عنوان مردم، باید این مطالبه را با صدای بلند و مستمر از مسئولان کشور پیگیری کنیم؛ هم برای امنیت جانی مان، هم امنیت روانی مان، و هم برای زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف.

دوم: مسلح شدن به سلاح علم برای جهاد تبیین

اما کار دوم این است که خودمان را مجهز کنیم به سلاح علم و معرفت. حتی اگر دولتمردان ما بتوانند آن سکوهای جهانی رسانه‌ای را هم بسازند، باز هم نیاز به افرادی داریم که بتوانند با مردم جهان گفت‌وگو کنند، به سؤالات آن‌ها پاسخ بدهند، شبهاتشان را رفع کنند و اصلاً مردم جهان را با وجود مقدس حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و مفهوم ظهور و آینده جهان پس از ظهور آشنا کنند.

باید مردم دنیا بدانند در دوران پس از ظهور چه اتفاقی خواهد افتاد، چه تحولی در زندگی بشر رخ می‌دهد و چه آینده‌ای در انتظارشان است، تا بتوانند با شوق و علاقه منتظر آن روز باشند.



اگر ما دانش لازم را نداشته باشیم، چطور می‌خواهیم از مرزهای فرهنگی مان دفاع کنیم؟ چطور می‌خواهیم عقاید حق خود را در این کارزار رسانه‌ای جهانی به گوش مردم دنیا برسانیم و جواب شبهات آن‌ها را بدهیم؟

این مسئولیت اول بر دوش عالمان دین است، اما متأسفانه امروز جمعیت طلاب ما محدود است. ما فقط حدود ۱۵۰ هزار طلبه در کشور داریم. این عدد حتی جوابگوی نیاز خود مساجد کشور هم نیست، چه برسد به نیازهای جهانی مهدویت و پاسخ به مخاطبان بین‌المللی.

برای همین اگر می‌خواهیم سربازان فکری و رسانه‌ای امام زمان را تربیت کنیم، یکی از راه‌هایش این است که فرزندانمان را تشویق کنیم به حضور در حوزه‌های علمیه و آموزش علوم دینی (چه دختر و چه پسر) و یا حداقل در فضای خانواده، باب گفت‌وگوهای علمی درباره حضرت حجت را باز کنیم. کتاب‌های خوب بخوانیم، درباره حضرت مطالعه کنیم، آنقدر بدانیم و یاد بگیریم که بتوانیم هم خودمان خوب توجیه شویم و هم بتوانیم دیگران را قانع کنیم تا ان شاء الله با جهاد تبیین این محاصره تبلیغاتی را بشکنیم.

سوم: تقویت جریان جهانی اربعین است.

امروز اربعین فقط یک پیاده‌روی ساده و یک تجمع مذهبی نیست. اربعین یک ظرفیت عظیم رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی است که می‌تواند صدای امام حسین (علیه السلام) را به گوش جهانیان برساند. ما اگر می‌خواهیم محاصره تبلیغاتی دشمن را بشکنیم، اگر می‌خواهیم امام حسین را به دنیا معرفی کنیم، اگر می‌خواهیم زمینه ذهنی ظهور را در مردم دنیا ایجاد کنیم، یکی از بهترین راه‌ها همین اربعین است.

در اربعین، میلیون‌ها انسان از سراسر دنیا جمع می‌شوند. این یعنی بزرگ‌ترین فرصت ارتباطی مردمی جهان. ما باید کاری کنیم که این حرکت،



فقط یک راهپیمایی داخلی و محلی نماند. باید محتوای اربعین جهانی شود. باید حضور پیدا کنیم، باید دیگران را تشویق کنیم، باید مستندسازی کنیم، باید روایت‌گری کنیم، باید پیام اربعین را به زبان‌های مختلف ترجمه کنیم.

باید از این بستر استفاده کنیم برای تبیین مظلومیت امام حسین (علیه السلام)، معرفی فرهنگ عاشورا و باز کردن باب گفت‌وگو با ملت‌های جهان.

گریز روضه

باید همه عالم امام حسین (علیه السلام) را بشناسند. می‌دانید چرا؟ چون وقتی مهدی زهرا ظهور می‌کند خودش را با نام امام حسین (علیه السلام) معرفی می‌کند. یعنی دیگر همه دنیا حسین (علیه السلام) را شناخته‌اند. دیگر همه دنیا با روضه‌های سیدالشهدا آشنا شدند. به همین دلیل که در روایت است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بین رکن مقام می‌ایستند و خودشان را با روضه سیدالشهداء معرفی می‌کنند.^۱

ایا اهل العالم! ان جدی الحسین قتلوه عطشانا.

امام زمان می‌تواند خودش را با پیامبر معرفی کند؛ می‌تواند بگوید: «انا بن امیرالمؤمنین»، اما بلافاصله اتصال خودش را به ابی عبدالله بیان می‌کند. می‌گوید: مردم! من پسر حسینم. کدام حسین؟! «ان جدی الحسین قتلوه عطشانا»؛ اصلاً برای ما سؤال است: چرا خداوند وقتی برای انبیا روضه می‌خواند، به همین روضه عطش اشاره می‌کند؟ تا خود قیامت، وقتی حضرت فاطمه (علیها السلام) می‌خواهد روضه بخواند، باز هم به همین گوشه اشاره می‌کند. این چه سری است که از میان همه مصائب ابی عبدالله، عطش

۱. إذا ظهر القائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قام بين الركن والمقام وينادي ببدء ات خمسة: الأول: ألا يا أهل العالم أنا الإمام القائم، الثاني: ألا يا أهل العالم أنا الصمصام المنتقم، الثالث: ألا يا أهل العالم إن جدّي الحسين قتلوه عطشانا، الرابع: ألا يا أهل العالم إن جدّي الحسين عليه السلام طرحوه عريانا، الخامس: ألا يا أهل العالم إن جدّي الحسين سحقوه عدوانا. إلزام الناصب، ج ۲، ص ۲۳۳.



ابی‌عبدالله از همه بیشتر گفته شده و برجسته است؟! خدا به حضرت آدم فرمود: ای آدم! اگر باشی و ببینی که او چگونه در گودال دست و پا می‌زند و می‌گوید: «واعطشاه و اقلّة ناصرا»، آیا جوابش را می‌دهند؟ نه والله! «فلم يجدوا احدا الا بسيوف»... شمشیرها تشنگی‌اش را برطرف کردند...

الا يا اهل العالم! ان جدی الحسين طرّحه عريانا... دیگر ترجمه نمی‌کنم؛ سال‌ها پای روضه بزرگ شدی...

الا يا اهل العالم! ان جدی الحسين سحقه عدوانا... آن قدر اسب بر بدنش تاختند... آماده‌ای بگویم یا نه؟!!!

این‌ها همه برای معرفی خود امام زمان است... اما در رجعت، اولین کسی که در رکاب امام زمان تشریف می‌آورد، خود ابی‌عبدالله است. به چه کیفیت؟ به همان کیفیتی که سر در بدن ندارند... «هنوز از آن رگ‌ها خون جاری است»...

دومین نفر، مادرشان فاطمه زهرا علیها السلام است. تا نگاه حضرت زهرا به این رگ‌های بریده می‌افتد، چنان صیحه و ناله‌ای می‌زند... حسین...